

تأثیر عملیات روانی و رسانه‌ای جهان غرب بر ژئوپلیتیک فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

داود بهادری

چکیده

در این پژوهش تأثیر عملیات روانی و رسانه‌ای جهان غرب بر ژئوپلیتیک فرهنگی جهان اسلام (مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران) مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است.

حکومت آمریکا و غرب در مسیر در نوردیدن فضای جغرافیایی جهان اسلام و جهانی‌سازی یا غربی‌سازی، عملیات ویرانگری را برپا کردند و حوادث ۱۱ سپتامبر وضعیتی را فراهم کرد تا این جنگ از پیش آماده‌شده امکان اجرا پیدا کند.

به طور کلی نتایج حاصل از این مقاله نشان می‌دهد: مقابله با جهان اسلام از اولویت‌های آمریکا در عرصه جهانی است. ایالات متحده با داشتن قدرت نظامی، اقتصادی، دانش فناوری و از همه مهم‌تر رسانه‌ای با ایجاد تصویری مجازی و غیر واقعی با طرح مسائل امنیتی، تهدید، تحریف و دروغ‌پردازی ارزش‌هایی مثل آزادی و حقوق بشر را به خود منتصب می‌کند، اما واژه‌هایی نظیر تروریسم و بنیادگرایی را به کشور اسلامی ایران منصوب کرده، در نتیجه ایجاد مرزبندی می‌کند. همچنین برای جلوگیری از اشاعه تفکر اسلامی از مرکزیت جهان اسلام (یعنی ایران) در صدد انزوای ژئوپلیتیکی این کشور است تا بتواند موقعیت و فرصت مسلم فرهنگ اسلامی را در جهت جهانی‌سازی خود با چالش مواجه کند. اما با بررسی اسنادی نتیجه‌ای حاصل شد که در نیل به این هدف موفق نخواهند بود.

کلیدواژه‌ها: عملیات روانی و رسانه‌ای، ژئوپلیتیک فرهنگی، ژئوپلیتیک فرهنگی آمریکا، ژئوپلیتیک فرهنگی ایران، انزوای ژئوپلیتیکی

مقدمه

فرهنگ از ویژگی‌های حیاتی انسان است و در طول تاریخ زندگی بشر همواره نقش اساسی و تعیین‌کننده در تأمین سعادت و شکوفایی جوامع انسانی داشته است. اندیشمندان و صاحب‌نظران بسیاری به تبیین نقش و اهمیت فرهنگ در افول یا صعود جوامع انسانی پرداخته‌اند و در این زمینه حضرت امام خمینی^(ه) می‌فرماید: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (پیام امام خمینی^(ه)، مردادماه ۱۳۶۶).

اگر این فرهنگ نبود، انقلاب اسلامی ایران نیز نبود و حداکثر در حد یک انقلاب ملی رقم می‌خورد. انقلاب اسلامی ایران، جهان را از حالت دوقطبی درون پارادایم اومانیزم (بشرگرایی)، که جهان را به دو قطب، لیبرال کاپیتالیسم غرب و سوسیالیسم شرق، تقسیم می‌کرد، درآورد و به جهان دوقطبی جامع‌تر اومانیزم (بشرگرایی) و تئوئیزم (خداگرایی) رساند. پس موقعیت ژئوکالچر ایران در جهان امروز مقوم جهان ژئوپارادایم دوقطبی خداگرا - بشرگرا است و اگر فرهنگ ایرانی شیعی نبود، نظام دوقطبی نوین در جهان شکل نمی‌گرفت.

اهمیت ژئواستراتژیک ایران در جهان از این‌روست که نه تنها یک قطب این نظام دوقطبی است، بلکه این نظام را شکل داده است و این یعنی بازیگری در عرصه جهانی. تقابل ژئوکالچر انقلاب اسلامی با ژئوپلیتیک غرب در جنبش‌های جاری جهان اسلام، تقابل حقیقت با واقعیت جهان اسلام است (کاویانی، ۱۳۸۹: ۱).

ایالات متحده آمریکا با ۶ درصد جمعیت کل جهان، ۷۵ درصد تبلیغات دنیا را در اختیار دارد. این کشور هر سال بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برای استخدام هشت هزار کارمند می‌پردازد تا تبلیغاتی را به سود ایالات متحده تهیه کنند. حاصل کار، هر سال بیش از ۹۰ فیلم، ۱۲ مجله به ۲۲ زبان و ۸۰۰ ساعت برنامه‌های صدای آمریکا به ۳۷ زبان برای حدود ۷۵ میلیون شنونده است (پرانکائیس و آرنسون، ۱۳۷۹: ۱۵).

تاکنون ۱۷۰ نوع روش عملیات روانی شناسایی شده است (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۹۹) و در ورای اجرای هر کدام این فعالیت‌ها، اهدافی مدنظر جبهه غرب در مواجهه با ایران اسلامی است که ابعاد آن در این مقاله تشریح می‌شود.

جبهه رسانه‌ای غرب، ایران اسلامی را به تروریسم، ناقض حقوق بشر و تجهیز به سلاح‌های کشتار جمعی در سطح جهان معرفی می‌کند تا انزوای ژئوپلیتیکی این کشور را تعقیب نماید و در سایه آن بتواند جهانی شدن به میل آمریکایی‌ها را محقق سازند.

در نتیجه با توجه به نقش نظام رسانه‌ای غرب در راستای منافع امپریالیسم رسانه‌ای و استفاده از روش‌های عملیات روانی بسیار پیچیده، علیه کشورهای جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران در این مقاله در پی پاسخ به این هستیم: عملیات روانی و رسانه‌ای غرب چه تأثیری بر ژئوپلیتیک فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با همه عمق و وسعت آن (قدرت و سیاست) داشته است؟ فرضیه این است که عملیات روانی امپریالیسم رسانه‌ای غرب بر موقعیت ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران که انزوای ژئوپلیتیکی را با اشاعه ایران‌هراسی پیگیری می‌کند، تأثیری نداشته است.

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

عملیات روانی

از مفاهیمی است که بر اساس شرایط استفاده از آن، برای آن تعاریف متعدد و گوناگونی ارائه شده است، به گونه‌ای که «صلاح نصر» در تعریف عملیاتی روانی می‌گوید: عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است؛ خواه به صورت مخفی، آشکار، شفاهی و یا کتبی باشد. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد، می‌تواند به اعماق او نفوذ کند (شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴).

بر اساس این تعریف، عملیات روانی در جنگ با چند ویژگی اساسی مشخص می‌شود:

- هدف نهایی: تأمین اهداف یا مقاصد امنیت ملی یا سایر اهداف سیاسی و

نظامی

- هدف کلی: تأمین اهداف جنگ (پیروزی و تسلیم نشدن)
- هدف رفتاری: تأثیر بر ذهن، عواطف، تمایلات درون نیروهای دشمن و

تغییر آن رفتارها

- ابزار: تبلیغات، فعالیت‌های روان‌شناسانه، رسانه‌ها، اطلاعات، شایعه
- مورد حمله: عقاید، نگرش‌ها، برداشت‌ها، احساسات تمایلات و رفتار

مخاطبان

- مخاطب: دشمن، گروه‌های بی‌طرف، دوستان و خودی‌ها

- میدان نبرد: گسترده و فراگیر و دربرگیرنده جوامع خودی، رودررو و بی‌طرف

- زمان حمله: جنگ؛ صلح و بحران (همان: ۵۸)

خاستگاه و بستر عملیات روانی

از زمان عمومیت یافتن پدیده افکار عمومی، حکام، دیگر نمی‌توانستند مانند لویی چهاردهم بگویند «دولت، خود من هستم» و مجبور بودند برای حفظ و گسترش قدرت خود نسبت به نظر مردم، حداقل در ظاهر، احترام قائل شوند. بحث دخالت مردم در سیاست، دیگر مفهومی اخلاقی نبود، بلکه پشتوانه قدرتی نیز داشت (www.todaypolitic.com)، اما از آنجا که مردم، بازی‌های سیاسی پشت پرده برای حفظ قدرت و یا توسعه‌طلبی‌های غیر مشروع حکام و سران دولت‌ها را عمدتاً برنمی‌تابند و از طرفی، اداره هیچ جامعه‌ای بدون جلب رضایت بیشتر مردم امکان‌پذیر نیست، فریب افکار عمومی به ضرورتی انکارناپذیر برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک سران کشورها تبدیل شد (جنیدی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

همان‌طور که قدرت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی ژئوپلیتیک تلفی می‌شود، لازم است تعریف عمیقی از قدرت نرم به‌عنوان یکی از ارکان عملیات روانی داشته باشیم.

تعریف قدرت نرم:

- توانایی هر کشور برای واداشتن سایر کشورها به این‌که آن‌ها نیز مثل او بیندیشند.

- توانایی هر کشور برای جذب سایر کشورها بر اندیشه‌ها، ارزش‌ها و ایدئولوژی خود.
 - قدرت نرم با باور ایمان، نوع نگاه، ارزش‌ها، فهم دیگران، تعریف خود و طرف مقابل (مردم خودی یا ملت - دولت دیگر) سروکار دارد (زمانی، ۱۳۸۸: ۵۸).
- «فولر» تحلیل‌گر نظامی انگلیسی، اولین کسی بود که اصطلاح «جنگ روانی» را در سال ۱۹۲۰ به کار برد. وی در بحث بررسی پیامد پیشرفت‌های فناوری نظامی در جنگ جهانی اول ادعا کرد که وسایل سنتی جنگ، ممکن است جای خود را به جنگ روانی ناب بدهد که در آن از سلاح استفاده نمی‌شود و به جای آن از اقداماتی نظیر زایل کردن خرد انسانی، مغشوش کردن هوش انسانی و مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی هر ملت به وسیله نفوذ در اراده آن‌ها انجام شود (دثرتی، ۱۹۸۲).

ارتباط دوسویه عملیات روانی و ژئوپلیتیک

یکی از مبانی اساسی در تفسیر بهتر و بیشتر این مفهوم تمایز قائل بودن میان ملت‌ها یا غیریت‌سازی و یا به تعبیری دشمن‌سازی یکی از گفتمان‌های مشترک عملیات روانی و ژئوپلیتیک است. گفتمان دشمن‌آزادرو مفهومی ژئوپلیتیکی به حساب می‌آید که بسان دیوار یا حصاری عمل می‌کند که سرزمین‌ها را تقسیم‌بندی می‌کند و تفکر «خودی» و «غیرخودی»، «دوست» و «غریبه»، «آنها» و «ما» را به وجود می‌آورد (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

گسترش فناوری‌های ارتباطی در عصر ارتباطات نیز تعامل عملیات روانی و ژئوپلیتیک را آسان‌تر کرده است. اگر در قرون گذشته مهم‌ترین عامل شکل‌گیری دشمن جغرافیا یا موقعیت کشور روی نقشه بود و در بسیاری از مناقشات جاری

«همسایه» به عنوان دشمن محتمل شناخته می‌شد، از دوره پسا جنگ سرد به دلیل توسعه فناوری‌های ارتباطی و گسترش فرامرزی قدرت نظامی، بعد مسافت، دیگر عامل بازدارنده‌ای برای تعریف دشمن به شمار نمی‌رود. به این دلیل است که گفته می‌شود تحولات شگرف در عرصه فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی، بسیاری از مفروضات و اصول پیشین قدرت را به چالش طلبیده و چنان جغرافیای جدیدی از مناسبات قدرت را در سطح جهان پدید آورده است که تا بیست سال پیش حتی تصورش هم غیرممکن بود. جغرافیای جدید، مجازی و بن‌مایه مقاومت‌های سیاسی و فرهنگی است که ناگزیر باید در همین فضای الکترونیکی عرض اندام کند (خرازی، ۱۳۸۰: ۲۶۴).

رسانه

رسانه یا media به معنای رساندن است. رسانه‌ها و تبلیغات همواره ابزار مؤثری در پیشبرد اهداف عملیات روانی به منظور کسب پیروزی و عوض کردن نتیجه جنگ سرد و یا جنگ نرم بوده است. عملیات روانی و عملیات اطلاعاتی همواره وجود داشته است. ولی آنچه در طول قرن‌ها دگرگون شده فناوری‌هایی است که در این عملیات به منظور اطلاع‌رسانی سازمان‌یافته و همراه کردن قلب و مغز مخاطبان هدف به کار گرفته شده است (جمعه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۸۰).

در دنیای امروز که تحولات فناورانه در زمینه الکترونیک، به‌ویژه فناوری فضایی که ابزار سلطه کشورهای پیشرفته صنعتی بر کشورهای جهان سوم را فراهم کرده، واحدهای روانی سازمان‌یافته آمریکا، طیف وسیعی از رادیوها، تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، کتابخانه‌ها، بررسی‌های دانشگاهی، خانه‌های فرهنگی، آژانس‌های

تبلیغاتی و تحقیقاتی، مراکز فیلم‌سازی واحدهای جنگ روانی نظامی، تشکیلات ستادی و امثال آن‌ها را شامل می‌شوند (عابدینی، ۱۳۸۶: ۴۴).

الوین و هایدی تافلر معتقدند که رسانه‌های جدید نه تنها واقعیت، بلکه حتی از آن مهم‌تر ادراک ما را از واقعیت تغییر می‌دهند: «پیش از انقلاب صنعتی، جمعیت‌های دهقانی، بی‌سواد و کوتاه‌فکر بودند و برای دریافت تصاویر ذهنی خویش از رخدادهایی که در زمان‌ها و مکان‌های دور اتفاق می‌افتاد به قصه‌های مسافران و عقاید تعصب‌آمیز کلیسا و یا افسانه‌ها و اسطوره‌ها متکی بودند. رسانه‌های همگانی موج دوم، مکان‌ها و زمان‌های دور را در کانون توجهی نزدیک قرار داده و به آنچه اخبار تلقی می‌شود، کیفیتی بخشید که انسان احساس حضور می‌کند و جهان عینی و واقعی تصویر شد به عکس رسانه‌های موج سوم اندک‌اندک درباره رخدادهای واقعی به انسان این احساس را نشان می‌دهد که واقعیت ندارد (تافلر آلوین، تافلر هایدی، ۱۳۷۷: ۱۹۹).

فرهنگ

واژه کالچر یا فرهنگ از ریشه لاتین و در معنی کیش و آیین آمده که منظور از آن شاید شکل‌گیری آیین‌هایی بوده که یونانیان باستان به منظور بزرگداشت خدایان در معابد برپا می‌داشتند (اخباری، ۱۳۸۹: ۳۲). در این میان، فرهنگ، مجموعه‌ای از خصیصه‌های ساختاری یک گروه انسانی یا ملت است که وجه غالب آن را تشکیل داده و در ابعاد مختلف جهان‌بینی و نگرش به جهان، باورها و عقاید، آداب و رسوم، رفتار و کردار، شیوه‌ها و ابزار مکانیسم‌های حراست از خود، اندیشه و تفکر، ادبیات و هنر و نظایر آن انعکاس پیدا می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر

در این بخش با تشریح مختصری از ژئوپلیتیک، به تعریف و توجیه ژئوپلیتیک فرهنگی می‌پردازیم.

در برخوردی کلی، ژئوپلیتیک به مطالعه روابط ساختاری قدرت‌ها با هم و در دو راستای افقی (روابط قدرت‌های هم‌تراز) و عمودی (روابط قدرت‌های بزرگ‌تر و کوچک‌تر) می‌پردازد. این ساختار نظام جهانی عنوان می‌گیرد که محتوای اصلی مباحث ژئوپلیتیک را شامل می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

پس از طرح «واژه ژئوپلیتیک» برای اولین بار توسط «رودلف لیکن» سوئدی در سال ۱۸۹۹ (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳) ژئوپلیسین‌هایی همچون «آلفرد ماهان» با طرح «راهبرد آب‌ها» (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱) سر هرلفورد مکیندر انگلیسی، طرح «تئوری محور جغرافیایی تاریخ و هارتلند» (همان، ۱۲) نیکولاس اسپایکمن، طرح «تئوری ریملند» (همان، ۱۶) و دانشمندانی همچون ژاک آنسل فرانسوی و کارل هاوس هوفر آلمانی، طرح «ایده‌های چگونگی شکل‌گیری جهان سیاسی یکپارچه» را مطرح کردند. این پیشگامان هدف از ژئوپلیتیک را مطالعه ارتباط ژئوپلیتیکی سیاست و شرح آمال، رفتار و امکان محیطی که در اختیار حکومت قرار می‌گیرد می‌دانستند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۵). همچنان که می‌دانیم، هر رفتار برخاسته از یک اندیشه سیاسی بلافاصله در مرحله عمل و تحقق خصلتی فضایی می‌یابد و هر فعالیت و عمل سیاسی نیز ماهیتی کانون‌گرا دارد (میرحیدر، ۱۳۷۰: ۱۱).

به عبارت دیگر اندیشه سیاسی حکومت‌ها همواره از یک نقطه مکانی خاص آغاز می‌شود و به تدریج در طول زمان در محیط پیرامون خود منتشر می‌گردد (شکویی ۱۳۸۴: ۳۰).

ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی، بیانگر چارچوب فرهنگی است که نظام‌ها، مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها در محدوده آن عمل کرده و اثر می‌گذارند و مقدمات و مبانی فکری خود را نه در محدوده ملی و محلی بلکه در یک جغرافیای فرهنگی منتشر می‌سازند. در ژئوکالچر تمرکز فعالیت بر فرهنگ به‌جای سیاست و اقتصاد است و از مؤلفه‌هایی چون دعوت فرهنگی، تبلیغ، نشان دادن کارآمدی، نشان دادن توانایی تولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی و رابطه‌های معنوی و مقاومت به‌جای زور و سیطره و استعمار استفاده می‌شود (عزتی، ۱۳۸۸: ۲۰).

با در نظر گرفتن نگرش‌های مطرح‌شده استفاده از بستر عملیات روانی و رسانه برای جهانی شدن فرهنگ را می‌توان به سه دیدگاه اساسی تعمیم داد:

دیدگاه اول: مبتنی بر عام‌گرایی و یکسان‌سازی فرهنگی جهان (احمدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶)؛

دیدگاه دوم: دیدگاه خاص‌گرایان است که در آن فرهنگ‌های خاصی در نواحی و مناطق گوناگون در تقابل با یکدیگر رشد یافته و اثرپذیری کمتری از فرهنگ‌های غالب جهانی پیدا خواهند کرد (گل‌محمدی ۱۳۸۱: ۱۲۲)؛

دیدگاه سوم: دیدگاهی ژئوپلیتیکی به جهانی شدن فرهنگ است. در این نگرش، فرهنگ‌های عام و خاص در تعارض با یکدیگر سعی در گسترش حوزه‌های نفوذ خود داشته و به دنبال اشاعه فرهنگ خود هستند. در چنین شرایطی، عناصر

فرهنگی مختلف از بستر و سرزمین معین جدا و در فضای مجازی معلق می‌شوند و فضای مجازی مکانی برای حضور برخورد فرهنگ‌های گوناگون درمی‌آیند. این برخوردها و کنار هم قرارگیری گاه به همزیستی فرهنگی (عام‌گرایی) منجر شده و اغلب نیز به ستیز و خاص‌گرایی فرهنگی می‌انجامد (همان: ۱۳۱).

شناخت ابعاد ژئوپلیتیک فرهنگی آمریکا و تلاش این کشور برای نفوذ فرهنگی خود در جهان، متضمن درک سه محور کلی در استدلال ژئوپلیتیکی این کشور است:

محور نخست این است که مردم ایالات متحده از سوی خداوند، «ملت برگزیده» هستند (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۹۵). آمریکایی‌ها تحت تأثیر روانی باورهایشان همواره خود را الگوی ملل دنیا می‌دانند و بر این اعتقاد هستند که تقدیر الهی این است که فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی جهانی شود تا همگان از این موهبت برخوردار شوند. سیاستمداران آمریکایی بر این باورند که مقدر شده که این کشور قدرت فائق دنیا باشد و الگوی فرهنگی خویش را به سراسر جهان گسترش دهد. در این راستا، جفرسون معتقد بود که: «خداوند آمریکا را به‌منزله سرزمین موعود برای بهترین بندگان خود برگزیده است.»

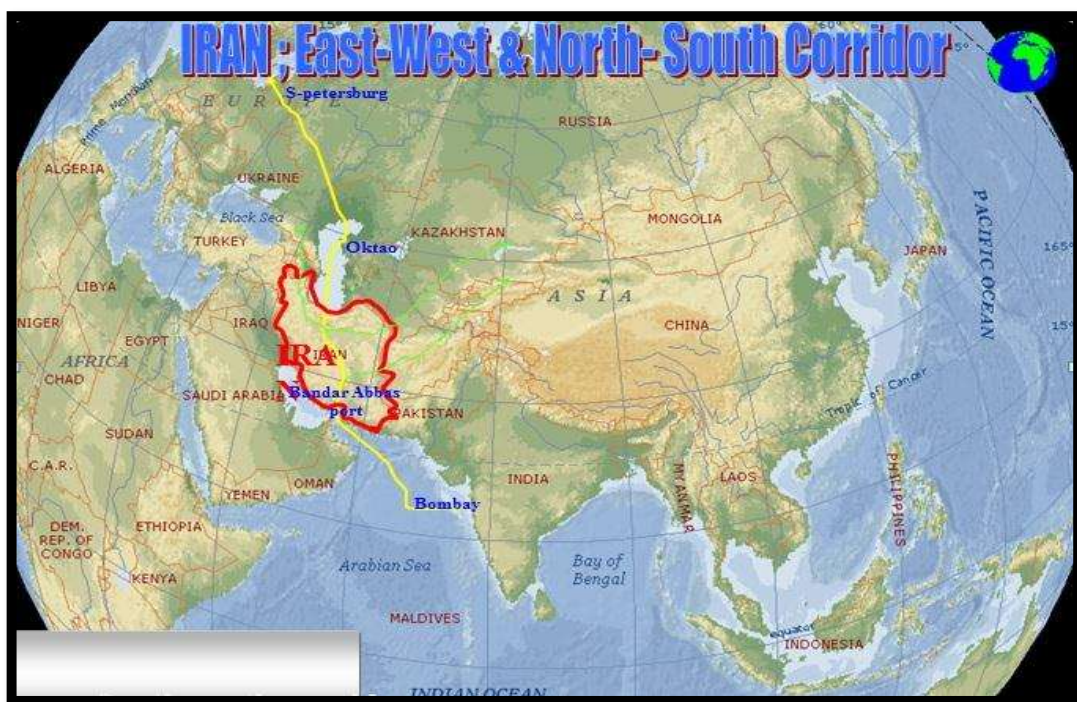
دومین محور این است که این کشور مأموریت دارد از جانب خداوند، جهان را تغییر دهد و به‌سوی سعادت هدایت کند. این مسائل در تاریخ گذشته نیز مورد تأکید بوده است. در این راستا، سناتور آلبرت بوریج در سال ۱۸۹۸ هنگام الحاق فیلیپین به ایالات متحده در مجلس سنای آمریکا اظهار داشت: «خداوند مردم آمریکا را به‌عنوان ملت برگزیده قرار داده است تا جهان را به‌سوی رستگاری هدایت کنند.»

سومین محور ژئوپلیتیک آمریکایی، خط سختی است که بین فضای خودی و غیر خودی ترسیم می‌شود. آمریکا بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به یک‌باره شریک راهبرد خود را به‌عنوان دشمنی غیرقابل سازش به مردم آمریکا معرفی کرد تا مداخله و حمله به کشورهای را موجه جلوه دهد که به‌زعم سیاستمداران ایالات متحده در ردیف کشورهای ضد ارزش‌ها و منافع آمریکا دسته‌بندی می‌شد؛ چه اینکه جمله مشهور گورباچف به ریگان در جریان اجلاس سران در ریکیاویک آشکارا گویای نقش گفتمان دشمن در پیشبرد رفتارهای توسعه‌طلبانه آمریکا است: «من به اینجا آمده‌ام تا شما را از یک دشمن خوب محروم کنم» (بیابان‌نورد، ۱۳۸۳: ۶۶).

ژئوپلیتیک فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ایران نه تنها خود، دارای تمدنی کهن است که محصور کانون‌ها و مهدهای تمدن جدید و قدیم نیز است. این کانون‌های تمدن، در همه شئون ایران، حتی در مرزهای سیاسی نیز، تأثیر گذاشته است. موقعیت ایران نسبت به کشورهای هم‌جوار، به دلیل تنش فراوان در این کشورها و همچنین به‌عنوان تنها راه رسیدن شوروی سابق به آب‌های گرم، باعث شده که در قرن ۱۹ و ۲۰ محل اصطکاک و برخورد راهبردی بحری و بری دو ابرقدرت و در نهایت سپر و حائل بین آن‌ها، محسوب شود (جغرافیای عمومی ایران، ۱۳۷۴: ۱۵۰ و ۱۵۱).

عواملی باعث شده است که ایران از موقعیت و اهمیت راهبردی برخوردار باشد. این عوامل عبارت‌اند از: وسعت، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، قرار گرفتن در تمامی سواحل شمالی خلیج فارس، وجود منابع نفت و گاز و سایر معادن و ام‌القرای انقلاب اسلامی جهان بودند (بهرامی، ۱۳۸۹: ۱۴).



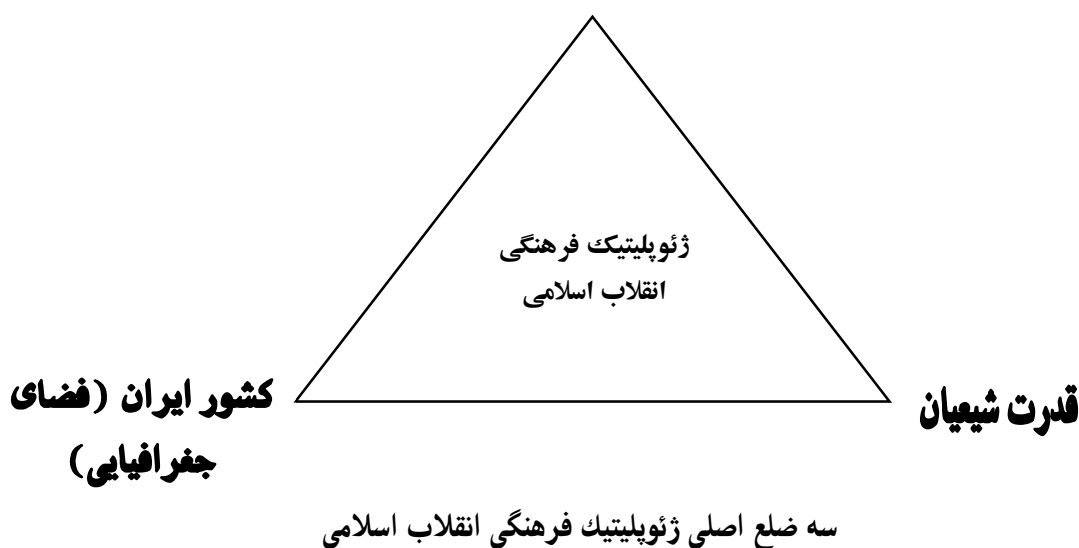
منبع: (فایل پرده‌نگار، ژئوپلیتیک مرز، دکتر محمد اخباری ۱۳۸۹: ص ۱۰)

شکی نیست که با وقوع انقلاب اسلامی که بارزترین ویژگی آن صبغه فرهنگی و معنوی آن است، آرایش ژئوپلیتیکی و نظم و ساختار حاکم بر محیط غرب آسیا (خاورمیانه) به هم خورده و موازنه ژئوپلیتیکی جدیدی جایگزین ساختار قبلی شد (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۵-۱۷۷).

این انقلاب الهام‌بخش و منشأ ظهور جنبش‌ها، احزاب و گروه‌های جهادی فراوانی نظیر «حزب‌الله» در لبنان و «حماس» در فلسطین بوده و همچنین موجب بروز

تحولات عمیق وسیعی در عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، ترکیه، قفقاز، شمال آفریقا و کشورهای حاشیه خلیج فارس شده است (سجادی، ۱۳۷۹: ۳۴۹). بدین ترتیب که انقلاب اسلامی از هویت سیاسی شیعه که قبلاً شکل گرفته بود حمایت کرده و مرکزی برای آن به وجود آورده (کشور ایران)، عزت نفس و قدرت شیعیان برای غلبه بر ظلم در انقلابی متجلی شده است که اسلام‌گرایان، شیعیان و بسیاری از سنی‌ها را در اقصی نقاط جهان به سوی خود کشانده و راهبرد اصلی آن اسلامی شدن کل جهان است.

هویت سیاسی (سیاست)



انزوای ژئوپلیتیکی

انزوای ژئوپلیتیکی عبارت است از کاهش یا قطع ارتباط یک کشور با سایر کشورهای سیستم جهانی و منطقه‌ای در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی و غیره (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۳). به عبارتی، انزوای ژئوپلیتیکی عبارت

است از افزایش آنتروپی و درجه میرایی کشوری و واحد سیاسی - فضایی بر اثر کاهش روابط سیستمی با سایر عناصر سیستم یا کشورها (کاهش سطح درون‌داد و برون‌داد با سایر عناصر) (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

تجزیه و تحلیل

در این بخش از منظر موج فراگیر امپریالیسم فرهنگی به تحلیل مطالب می‌پردازیم:

یکی از ویژگی‌های اصلی جنگ جهانی رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه‌ای غرب علیه کشورهای جهان سوم یک‌سویه بودن این جنگ است؛ چراکه با توجه به نظریه گالتونگ که معتقد به جریان عمودی اخبار و اطلاعات از سوی کشورهای پیشرفته (شمال) به سوی کشورهای در حال توسعه (جنوب) است (مولانا، ۱۳۸۴: ۵۹)، امروزه واقعیت‌های جهان بر اساس منافع کشورهای شمال تعریف و تفسیر می‌شود؛ مسأله‌ای که می‌توان آن را «تروریسم رسانه‌ای غرب» لقب داد. نظریه «امپریالیسم فرهنگی» عکس‌العملی در برابر نظریات دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در مورد نقش رسانه‌ها در توسعه ملی بود.

هربرت شیلر به نقل از امانوئل والرش‌تاین برای امپریالیسم فرهنگی این ویژگی‌های را ارائه کرده است: «تعبیر امپریالیسم فرهنگی نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشوری اساس تصورات، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر گسترش بخشد؛ به‌طور طبیعی باید انتظار داشت که نفوذ فرهنگ خویش را در آن‌ها رواج دهد. اگر این نفوذ به‌طور متقابل بین کشورها صورت گیرد مبادله فرهنگی است، اما اگر فرهنگ یک کشور

مرکزی به طور یک جانبه به کشورهای تحت استیلای او و به ضرر تمامیت فرهنگی آنها تحمیل شود امپریالیسم و ناتوی فرهنگی مصداق می یابد (معمدنژاد، ۱۳۷۵: ۳).

یکی از شاخص های اصلی ناتوی فرهنگی، ایجاد هراس به عنوان یکی از روش های آمریکا برای کنترل کشورهای پیرامونی به ویژه واحدهای غرب آسیا است. هدف اصلی را می توان نادیده گرفتن هویت کشورهای هدف و همچنین از بین بردن اعتماد به نفس آنان در راستای کنش گری دانست. آمریکایی ها برای تحقق اهداف خود عموماً از الگوهای گوناگونی بهره می گیرند.

شواهد نشان می دهد که در چنین روندی از نشانه های «قدرت هوشمند» بهره می گیرند و از این طریق زمینه های بازسازی موقعیت خود را در محیط فراهم می آورند. یکی دیگر از اهداف آمریکا در روند مرعوب سازی را می باید ایجاد تغییر و تحول در ژئوپلیتیک فرهنگی و اجتماعی دانست (جانستون و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان یافتن جنگ سرد (۱۹۹۱ - ۱۹۴۵) دنیا به سمت تک قطبی شدن پیش رفت؛ بنابراین آمریکا که رقیب اصلی اش (اتحاد جماهیر شوروی) دیگر توان رویارویی با او نداشت، احساس کرد رقیب ممتازی ندارد. به همین علت تلاش کرد سیطره خود را در عرصه های نظامی، اقتصادی و سیاسی بر جهان تحمیل کند. پس به فرهنگ سازی جهانی مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی متوسل شد؛ از همین رو به یک مجموعه مقتدر فرهنگی نیاز بود و شاید از این زمان به بعد در عمل ناتوی فرهنگی موجودیت یافت.

در همین راستا اندکی پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه پایان تاریخ فوکویاما، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه جان‌هاپکینز، در سال ۱۹۸۹ در سطح جهان مطرح شد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

نظریه برخورد تمدن‌ها نیز در واقع تبلوری از گفتمان دشمن‌ساز آمریکایی‌ها پس از جنگ سرد بود. به اعتقاد هانتینگتون، گروهی از کشورهای پیرو کنفوسیوس و اسلام تحت نام «کشورهای مسلح» (نام دیگری برای کشورهای یاغی) خطر جدیدی هستند که غرب باید علیه آن‌ها اقدام کند (اخباری، جزوه درسی مفاهیم ژئوپلیتیک).

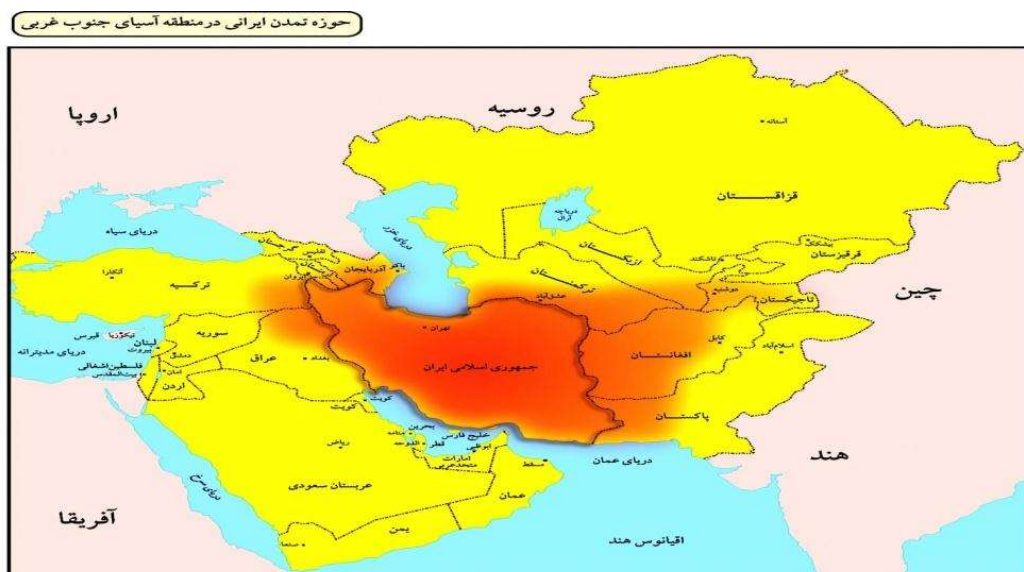
در همین رابطه ویلیام کوهن وزیر جنگ اسبق آمریکا برای اولین بار پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، عبارت «جنگ جهانی چهارم» را به کار برد.

به نظر وی جنگ جهانی سوم همان جنگ سرد است که با پیروزی آمریکا پایان یافت و جنگ جهانی چهارم، جنگ آمریکا و متحدان آن با اسلام است. این جنگ که همان جنگ ادیان است در واقع دورنمایی هانتینگتونی از فردای جهان را به تصویر می‌کشد (همان: ۱۱۳).

موقعیت ژئوکالچر و تأثیرگذاری فرهنگی ایران به خاطر حیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که قلب سیاسی جهان اسلام به شمار رفته و دارا بودن فرهنگ سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است که روزه‌روز مهم‌تر می‌شود. از نظر فرهنگی موقعیت ژئوکالچر ایران بسیار ممتاز است.

ایران با یک دامنه فرهنگی فارسی‌زبانان از کردستان عراق تا افغانستان و قلب آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی دارد.

حوزه تمدن ایران در منطقه آسیای جنوب غربی



تعارض غرب با ژئوپلیتیک فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

گرانگه‌های عملیات روانی آمریکا را در این حوزه، گسترش اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در سطح بین‌المللی و ایران‌ستیزی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تشکیل می‌دهد؛ به‌ویژه که تحولات عراق و قدرت‌یابی شیعیان، بستر منطقه‌ای لازم را به‌منظور ایجاد جو روانی مبتنی بر هراس و وحشت از بسط حوزه ژئوکالچر ایران و ایجاد ائتلاف رژیم‌های محافظه‌کار سنتی با آمریکا در راستای تحکیم صف آرای

منطقه‌ای در برابر ایران فراهم کرده است. انعکاس گسترده خبرهای مربوط به ایران به‌ویژه پرونده هسته‌ای توسط رسانه‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی و تمرکز بر تهدیدزایی ایران مسلح به سلاح هسته‌ای علیه کشورهای منطقه و جهان، بیانگر دغدغه امنیتی واشنگتن در این زمینه است. رویکرد خبری، تحلیلی این رسانه‌ها ترسیم چهره‌ای ناقض قواعد و مقررات بین‌الملل از ایران است تا بدین طریق، نوعی جدال منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فرا روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۸: ۲۴۶).

به‌خوبی پیداست که هدف نهایی سیاست «مهار» ایران، تضعیف و سپس سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا شیوه‌هایی که دولت آمریکا در پیش گرفته بدین قرار است:

- جلوگیری از دسترسی ایران به تسلیحات مدرن و تقویت بنیه نظامی
- ممانعت از دسترسی ایران به فناوری‌های پیشرفته
- ممانعت از اعطای وام و اعتبارات خارجی به ایران
- اعمال تحریم‌های اقتصادی
- جلوگیری از استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای
- جنگ روانی و تبلیغاتی

در واقع اهداف شش‌گانه بالا که توسط عوامل صهیونیست نفوذ کرده در دستگاه حاکم آمریکا تجویز شده، آن‌چنان طرحی شده که نه تنها بنیه نظامی جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و توازن قوا در منطقه را علیه جمهوری اسلامی ایران برهم زند، بلکه بتواند به‌شدت بنیه فرهنگی و اقتصادی ایران را نیز تحلیل برده، در نهایت به تسلیم در مقابل آمریکا وادار نماید (غضنفری، ۱۳۸۰: ۳۶۴).

همچنین آمریکا بر اساس عملیات روانی سیاسی، انزوای ژئوپلیتیکی ایران را در سطح منطقه‌ای و جهانی به شیوه‌های مختلفی پیگیری می‌کند که محورهای کلان آن عمدتاً به انقلاب‌هراسی و ایران‌هراسی معطوف است.

در این محورها موارد زیر پیگیری می‌شود:

انقلاب اسلامی فقط به شیعه اختصاص دارد (اختصاصی جلوه دادن)، انقلاب توسعه‌دهنده خشونت است، انقلاب ثبات منطقه و جهان را به هم می‌ریزد، ایران به دنبال احیای امپراتوری پارس است، ایران به دنبال بمب هسته‌ای است، ایران اشغالگر است، توان نظامی ایران برای کشورهای همسایه تهدیدی جدی است، ایران به دنبال تغییر حکومت‌های منطقه است، بحران منطقه از ایران سرچشمه می‌گیرد، ایران مخالف روند صلح در غرب آسیا است، ایران برای تروریست‌ها سلاح می‌فرستد، ایران به دنبال برتری فارس بر اعراب است، ایران محور شرارت و تروریسم است (جنیدی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۳).

آمریکا بر اساس عملیات روانی و نظامی و تسلیحاتی تلاش می‌کند با متشنج جلوه دادن اوضاع منطقه و ایران‌هراسی و غیر آن به کشورهای رقیب یا همسایه ایران تسلیحات پیشرفت‌های بفروشد تا از این طریق با برهم زدن موازنه قوا، رقابت‌های تسلیحاتی در مناطق پیرامونی ایران به وجود آورد که حاصلی جز تفرقه و تنش ندارد. بر اساس عملیات روانی اقتصادی نیز سعی می‌کند از طریق تحریم‌های اقتصادی و فناوری‌های حساس، جلوگیری از ورود به سازمان‌های اقتصادی و نهادهای بین‌المللی اقتصادی مطرح در سطح جهان، ناامن جلوه دادن بازارهای سرمایه‌گذاری ایران از طریق القای احتمال حمله نظامی به ایران و ایجاد احساس ناامنی برای سرمایه‌گذاری در کشور، القای نبودن قوانین و ضمانت‌های لازم برای

حمایت از سرمایه‌های خارجی، القای اینکه ایران فاقد اصول و رفتارهای بین‌المللی است (با استفاده از القابی چون محور شرارت، مادر تروریسم و...) و تویخ‌های اقتصادی و مجازات‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاران، ایران را در حوزه ژئواکونومیک با چالش‌های جدی روبه‌رو کند (همان: ۱۲۴).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته وجوه مهم این مبارزه را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- ۱) زدن اتهام تروریست بودن یا حامی تروریسم بودن به ایران؛
 - ۲) ادعای نقض حقوق بشر در ایران؛
 - ۳) ادعای تلاش ایران برای تولید سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی (غضنفری، ۱۳۸۰: ۳۸۱)
- ایالات متحده آمریکا در این رهگذر به دنبال انزوای ژئوپلیتیکی ایران و قطع ارتباط (برون‌داد) در تمامی مؤلفه‌ها خصوصاً فرهنگی و متعاقب آن اقتصادی است. اما با تفحص صورت گرفته و با استناد به یافته‌های زیر انزوای ژئوپلیتیکی کشور ایران غیر ممکن خواهد بود.

انقلاب اسلامی ایران بازتاب و کارکردهای فراوانی در ابعاد ملی و منطقه‌ای به همراه داشته است که در زیر به صورت فهرست‌وار به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) در محیط داخلی

- بسیج و سازماندهی بی‌نظیر مردم ایران حول محور اندیشه و مبانی دینی
- تبدیل اراده و قدرت ملت به عنوان مبنای تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و مدیریت
- سیاسی فضا از طریق پی‌ریزی حکومتی مردم‌سالار

- ایجاد حاکمیتی پر قدرت به پشتوانه حمایت‌های گسترده مردمی

- ایجاد همبستگی و وحدت ملی بی‌نظیر با تکیه بر مبانی اسلامی، منافع و مصالح ملی

- غلبه بر چالش‌ها و تعارض‌های قومی، محلی و نابرابری‌های فضایی و کالبدی از طریق جهت‌گیری‌های فرامحلی، طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه ملی و توزیع عادلانه منابع ثروت

- مقاومت جانانه در قبال تهاجم، جنگ، تحریم و تهدید و تبلیغات وسیع قدرت‌های جهانی و هم‌پیمانان منطقه‌ای ایشان به پشتیبانی و حمایت وسیع مردمی

- دستیابی به توفیقات چشمگیر سیاسی، اقتصادی، علمی و فناورانه با وجود اعمال فشارها و تخریب‌های منطقه‌ای و جهانی

ب) در محیط بیرونی

- تغییر آرایش ژئوپلیتیکی غرب آسیا از طریق مقابله همه‌جانبه با طرح‌ها و سیاست‌های قدرت‌های غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا

- ظهور و پیدایش بازیگران جدید سیاسی و فرهنگی در محیط غرب آسیا تحت تأثیر امواج انقلاب اسلامی ایران

- پیدایش گروه‌ها، جنبش‌ها، احزاب و سازمان‌های جهادی و اسلامی در کشورهای مسلمان منطقه و جهان متأثر از انقلاب ایران

- بروز امواج بیداری عمومی و انقلاب‌های مردمی در سرتاسر غرب آسیا و شمال آفریقا تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران
- نفوذ و اثرگذاری غیر قابل انکار جمهوری اسلامی ایران در مناطقی چون آسیای مرکزی، پاکستان، افغانستان، کشورهای غرب آسیا و حوزه خلیج فارس
- افزایش فزاینده نفوذ و نقش جمهوری اسلامی ایران در عقیم‌گذاشتن طرح‌های سلطه‌طلبانه قدرت‌های غربی در محیط غرب آسیا و جهان اسلام
- افول و زوال تدریجی نفوذ ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی در غرب آسیا و در جهت عکس، افزایش گسترده نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی بر فرآیندهای سیاسی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی منطقه
- ابراز نگرانی مقامات غربی از قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان اسلام
- تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به قدرت برتر منطقه جنوب غرب آسیا و کانون ساختار جدید ژئوپلیتیک منطقه
- تبدیل الگوی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مبنایی برای شکل‌گیری حکومت‌های مردم‌سالار دینی در منطقه غرب آسیا، شمال آفریقا و جهان اسلام (همان: ۸۴)
- در ادامه نیز به برخی از کارکردهای فضایی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه متخصصان علم ژئوپلیتیک پرداخته می‌شود:

۱) جایگاه ژئوپلیتیکی ایران اگرچه به سبب دگرگونی‌های روابط بین‌الملل تحول اساسی یافته است، اما همچنان اهمیت و اعتبار و ارزش جایگاه آن محفوظ مانده است که این موضوع الزام تبدیل اهمیت ژئوپلیتیک به قدرت ژئوپلیتیک را آشکار می‌سازد (اطاعت، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

۲) در واقع، سقوط شوروی دوران جدیدی را در روابط بین‌الملل گشود؛ و تحولی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی بین‌المللی ایجاد کرد. در زمره این تحولات ساختاری می‌توان به ماهیت دگرگون‌شونده نظام توزیع قدرت در سطح جهانی، شکل جدید مناسبات منطقه‌ای، اهمیت یافتن بیشتر عنصر اقتصادی در روابط بین کشورها، افزایش عددی بازیگران دولتی در مجامع بین‌المللی و پررنگ شدن نقش قومیت، مذهب و خرده ناسیونالیسم اشاره کرد (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

۳) تحول جایگاه ژئوپلیتیک ایران با توجه به تحول ماهیت قدرت از سخت به نرم و از حالت نظامی به ملایم اقتصادی صورت پذیرفت. در موقعیت جدید ژئوپلیتیک ایران، تهدید نظامی روسیه کاهش یافته است، به گونه‌ای که با توجه به حذف تهدید ایدئولوژیک ابرقدرت شرق فرصت‌های جدید و متنوعی را در اختیار ایران قرار داده است. از جمله: ارتقای روابط جدید سیاسی و امنیتی با همسایگان (سازمان همکاری‌های شانگهای)، گسترش روابط اقتصادی با توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و احیای روابط فرهنگی با کشورهایی که دارای مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی و زبانی با ایرانیان هستند (همان: ۱۴).

۴) افزون بر این، ایدئولوژی اسلامی حاکم بر انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری عقیدتی آن بر کشورهای مسلمان به‌عنوان عامل حرکت‌های جنبش‌های اسلامی، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را متحول ساخته است (اطاعت، ۱۳۷۶: ۶۲). به‌علاوه آنکه ایران حافظ

منافع غرب در دوران پهلوی، اکنون پس از پیروزی انقلاب اسلامی تهدیدی در برابر منافع آن‌ها به شمار می‌آید (همان: ۱۰۱-۱۰۲).

۵) ایران قبل از انقلاب که یکی از حلقه‌های مهم سیاست مهار شوروی در راهبرد غرب به شمار می‌آمد با پیروزی انقلاب اسلامی و طرح سیاست «نه شرقی نه غربی»، جایگاه ژئواستراتژیک جدیدی یافته است. اگرچه به لحاظ فیزیکی موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران تغییر نیافته اما ژئوپلیتیک آن از حیث محتوایی دستخوش دگرگونی زیادی شده است.

در دوران نظام دوقطبی، ایران می‌توانست از تعارض قطب‌ها بر اساس سیاست play-off استفاده کند، درحالی‌که پس از فروپاشی شوروی امکان استفاده از تعارض قطب‌های جهانی از بین رفت (همان: ۱۰۶-۱۰۷).

۶) سیاست اقتصادی (اکوپلیتیک) به معنای ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت اقتصادی جایگزین ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت نظامی شده است. پس از سقوط شوروی، زمینه‌های رقابت در نظام جهانی از ایدئولوژی به ژئواکونومیک تحول پیدا کرده و مراکز قدرت اقتصادی چندگانه‌ای در جهان ژئوپلیتیک سر برآورده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۴۱۴).

۷) پس از فروپاشی شوروی با توجه به تغییر ماهیت رابطه قدرت در نظام بین‌الملل جایگاه ژئوپلیتیک ایران از سیاست مبتنی بر قدرت نظامی به سیاست مبتنی بر قدرت اقتصادی (اکوپلیتیک) و سرانجام سیاست مبتنی بر قدرت فرهنگی (ژئوکالچر) تبدیل شده است (اطاعت، ۱۳۷۶: ۱۷۴).

۸) در سطح تحلیل منطقه‌ای اهمیت ایران به دلیل استقرار دبیرخانه اکو در تهران به‌عنوان ظرفیت سیاسی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و همچنین

علاقه‌مندی به گسترش دیگر سازمان‌های منطقه‌ای چون سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی دریای خزر (ایران، قزاقستان، ترکمنستان، روسیه و جمهوری آذربایجان) برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و نیز سازمان همکاری‌های شانگهای رو به فزونی است.

۹) بدین ترتیب از نظر دهشیری و مجیدی، گروه‌بندی منطقه‌ای ایران «آسیای غربی و جنوب غربی» و یا «غرب آسیا» است نه آسیای مرکزی و قفقاز و نه خلیج فارس و نه خاورمیانه. منطقه غرب آسیا از لحاظ تاریخی محل تلاقی‌های تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده و از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تاریخی و اجتماعی برخوردار است.

غرب آسیا از پنج منطقه فرعی تشکیل شده است که در کل بیست و چهار کشور را در برمی‌گیرد: افغانستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، بحرین، گرجستان، جمهوری اسلامی ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان و یمن. سرنوشت اجزای این منطقه به یکدیگر در هم تنیده است. مضافاً آنکه نمی‌توان مسائل آن را جدا از موضوعات افغانستان و عراق بررسی کرد؛ بنابراین، باید مسائل جدید مربوط به منطقه مزبور در گستره‌ای وسیع‌تر به نام غرب آسیا بررسی شود (دهشیری و مجیدی، ۱۳۸۷: ۷۴).

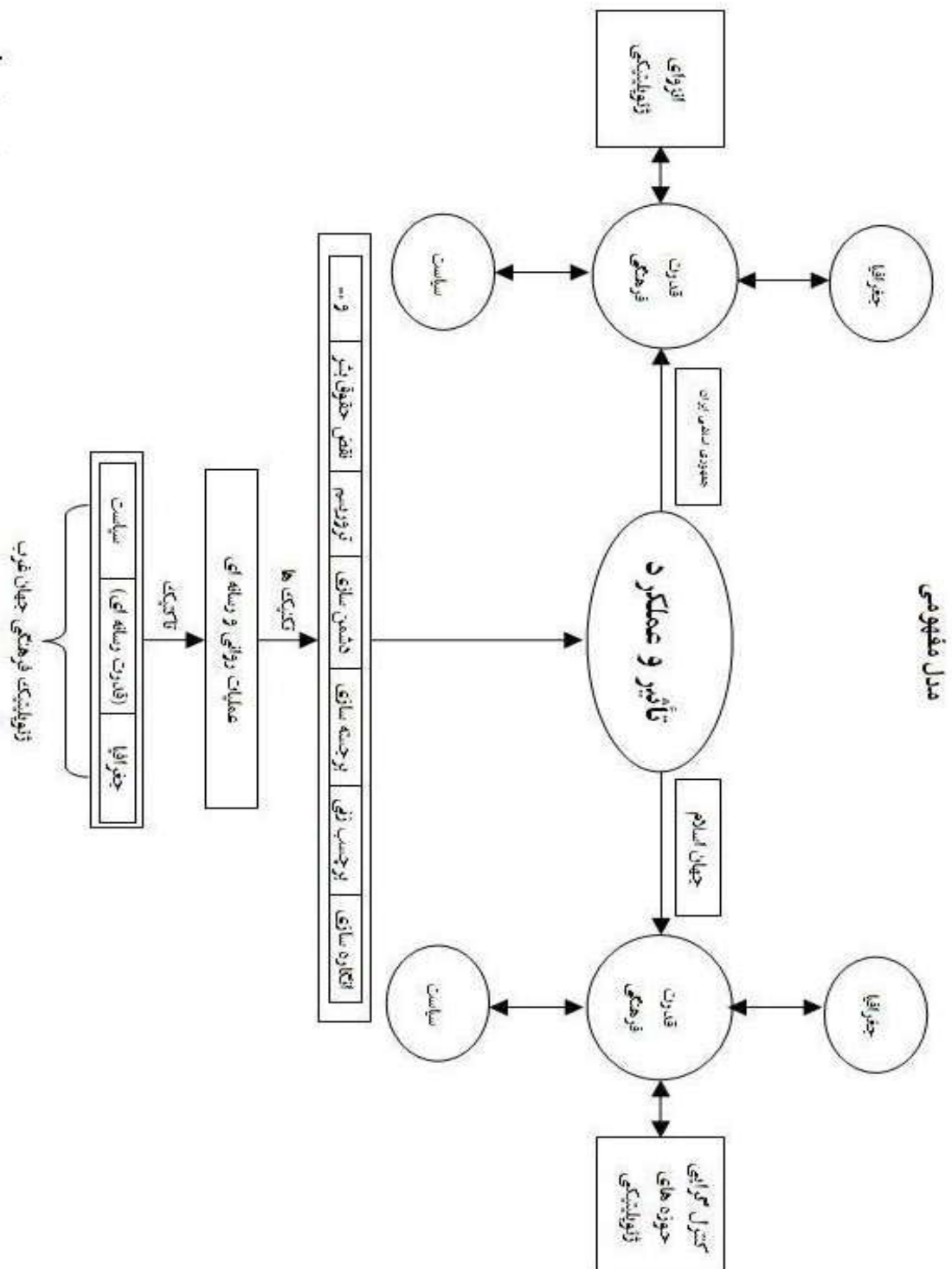
۱۰) افزون بر این، در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ژئوپلیتیک دین و ژئوکالچر از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است، به گونه‌ای که عنصر اسلام و تشیع به عنوان عامل تأثیرگذار بر حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی موجب افزایش اهمیت ژئوپلیتیک شیعه شده است (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۵).

واقعیت آن است که در ژئوپلیتیک نوین غرب آسیا، در پی پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه‌هایی همانند حزب‌الله لبنان، سازمان حماس و سازمان فتح فلسطین در زمره بازیگران غیر دولتی تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آیند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۳ و ۱۴۴).

۱۱) چنین گروه‌های هویت‌گرا و بازیگران غیر دولتی در غرب آسیا تلاش می‌کنند تا از طریق «تولید مقاومت» به هویت‌گرایی ایدئولوژیک نایل شوند. این امر زمینه ظهور بازیگرانی را فراهم می‌آورد که از طریق «هویت مقاومت» به نقش‌آفرینی سیاسی و امنیتی در فضای غرب آسیا مبادرت می‌نمایند (همان: ۱۴۴)؛ بنابراین، سه نوع رقابت ژئوپلیتیکی سیاسی در حوزه دینی در حال رخ دادن است که عبارت‌اند از: اخوان المسلمین «مصر»، سلفی‌گری «عربستان» و تشیع «ایران» (همان).

۱۲) بدین ترتیب، با گسترش امواج بیداری اسلامی از تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ مردم منطقه در صدد یافتن آینده‌ای جدید و نظامی استوار بر پایه عدالت و اصول اعتقادی خود برآمده‌اند. به عبارتی دیگر، این گونه قیام‌ها برای بازگشت به هویت اسلامی خود و مقابله با نظام سلطه جهانی و با بیان اینکه اسلام تنها راه حل است، موجب شده‌اند تا نقش دین در ژئوپلیتیک غرب آسیا در دهه دوم هزاره سوم افزایش یابد و مطالعات ژئوپلیتیک در ایران به سمت تجزیه و تحلیل ژئوکالچر و ژئوپلیتیک دین و جایگاه آن در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی سوق یابد (همان).

مدل مفهومی



نتیجه‌گیری

این پژوهش بیانگر این دیدگاه بود که دو آیین اسلام و غرب در ستیز یکدیگر و خاص‌گرایی فرهنگی هستند. پس می‌توان گفت: با شروع فرآیند جهانی شدن و چرخش غرب از شوروی سابق به سوی اسلام، تعارضات فرهنگی غرب و اسلام رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. هجمه عظیم تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی و برخوردهای نامناسب با مسلمانان در جوامع غربی که حتی به درگیری و جنگ‌هایی در دو کشور مسلمان عراق و افغانستان منجر شده و پدیده بنیادگرایی انحرافی و طالبانیسم را در برخی جوامع اسلامی گسترش داد. در واقع در این برهه از زمان، جهان اسلام به جنگ سردی وارد شد که طرف مورد منازعه پدیده جهانی شدن یا به عبارتی آمریکایی شدن بود. در این راستا، نظام لیبرال دموکراسی با بازتعریف ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، نفی ظلم، مساوات، رعایت حقوق بشر و... در چارچوب اهداف مورد نظر، سعی در تحمیل ارزش‌های خود با بهره‌گیری از دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای در گستره جهانی دارد.

آمریکا با تبلیغ اینکه حکومت‌های جهان اسلام و ایران اسلامی ناکارآمد هستند، الگوی دموکراسی آمریکایی را به عنوان الگوی اساسی خود مطرح می‌کند و سعی در القای این امر دارد که در صورت نافرمانی مدنی و شوریدن علیه نظام موجود در کشورهای اسلامی و ایران آینده روشنی در انتظار آنهاست و با ایجاد افزایش انتظارات در مردم از طریق ابزار رسانه و عملیات روانی و القای این که حکومت‌ها از عهده آن برنمی‌آیند موجب شکل‌گیری احساس ناکامی و اعتراض شده و زمینه انقلاب‌های رنگین را فراهم کرده‌اند؛ البته در مورد تهدید سخت آن می‌توان به تحولات اخیر سوریه و عراق اشاره کرد که آمریکا کوشش دارد نظام مورد نظر

خود را با پدیده نحس داعش بر سر کار آورده و با کنترل سوریه عملاً هرگونه پشتیبانی به فلسطین و لبنان را از ایران سلب کند.

در خصوص نفی فرضیه مبتنی بر تلاش غرب برای انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران از این منظر اگر بخواهیم تعریف دکتر حافظ‌نیا از انزوای ژئوپلیتیکی مبنی بر افزایش آنتروپی و درجه میرایی بر اثر کاهش روابط سیستمی با سایر عناصر سیستم و کشورها را مبنا قرار دهیم، مستندات حاصل از نظریات اندیشمندان ژئوپلیتیک حاکی از آن است موقعیت منحصربه‌فرد ایران در منطقه و برخورداری از منابع بسیار انرژی و معادن غنی، به همراه ابزارهای فرهنگی و اعتقادی نیرومند، این کشور را به مرکزی برای سازماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل نموده که قادر است تحولات بزرگی در منطقه غرب آسیا را علیه منافع نامشروع استعمارگران به وجود آورد.

طرح سیاست نه شرقی، نه غربی، ترتیبات امنیتی و معادلات سیاسی منطقه را به نفع ایران دگرگون کرد. ایران که بزرگ‌ترین قدرت در منطقه و حافظ منافع آمریکا و جهان غرب بود، تصمیم گرفت که آزاد و مستقل باشد و خارج از دخالت و نفوذ بیگانگان عمل کند. بدین ترتیب، ایران به جای هم‌سویی با منافع جهان غرب، در مقابل اهداف استعماری آن‌ها قرار گرفته و موجبات نگرانی شدید آنان را فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که در شیوه برخورد آن‌ها با مسائل جهانی، توجه به ایران و تحول عظیم آن به‌خوبی ملاحظه می‌شود. ازاین‌رو شاید به لحاظ تحریم‌های اقتصادی اداره سیستم کشور دچار نوساناتی شود، اما نگارنده معتقد است بخش اعظمی از نارسایی‌ها ناشی از سوء مدیریت اجرایی و عدم توجه به آمایش سرزمینی و به فعلیت رساندن فرصت‌های کشور است. ازاین‌رو با توجه به مستندات و ناظر به

این فرمایش مقام معظم رهبری (۱۳۹۳/۳/۱۴) فرضیه تلاش عملیات روانی و رسانه‌ای غرب برای انزوای ژئوپلیتیکی ایران تأیید نشده و رد می‌شود.

«این جبهه پر قدرت غربی، در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده، کرده است؛ تلاش نظامی کرده است، به مهاجم نظامی به کشور کمک کرده است، دشمنان را در هر نقطه‌ای علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده است، تبلیغات پرحجم علیه آن به کار برده است، تلاش تحریمی و محاصره اقتصادی را در اعلا درجه ممکن و بدون سابقه به کار برده است، اما در مقابل، جمهوری اسلامی، در برابر این همه هجوم و این همه مخالفت خشن و بی‌ملاحظه، هم از بین نرفت، هم دچار محافظه‌کاری نشد، هم به غرب باج نداد، روزه‌روز هم کشور پیشرفت کرد. قدرت‌های درجه یک نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، دست‌به‌دست هم بدهند علیه یک کشوری، علیه یک حکومتی، ۳۵ سال تلاش کنند، [ولی] آن حکومت علی‌رغم تلاش آن‌ها، نه فقط از بین نرود، بلکه روزه‌روز قوی‌تر بشود، به آن‌ها باج هم ندهد، به آن‌ها اعتنا هم نکند.»

پیشنهادهای

- (۱) دست یافتن به موضع منسجم در مسیر احیای اسلام ناب محمدی (ص)
- (۲) توسعه مؤسسات مطالعاتی و باز کردن ابعاد مختلف عملیات روانی و یا اهتمام در خصوص پرورش دانشمندان و صاحب‌نظران، در جهت ایفای نقش جدی از سوی جهان اسلام و جمهوری اسلامی
- (۳) تأکید بر دین و نه مذهب، ملیت و نه قومیت، انسانیت و نه جنسیت، احساس و نه حساسیت، استقلال و عدم وابستگی

- (۴) بهره‌گیری از فناوری برتر رسانه‌ای و امکانات نوین ارتباطاتی در جهت رویارویی با هجوم رسانه‌ای، همچنین در پیش گرفتن راهبرد رقابتی در تولیدات رسانه‌ای
- (۵) شناسایی عوامل و امکانات داخلی و منطقه‌ای مرتبط و امکانات و تجهیزات مورد نیاز
- (۶) آموزش مردم توسط اندیشمندان عملیات روانی در جهت پست، نادرست و ساخته و پرداخته دشمن دانستن شایعات
- (۷) غفلت‌زدایی، پویایی و هماهنگی با تحولات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، شناسایی ضعف‌ها و قوت‌ها در تولید قدرت اجتماعی، نیروهای کارآمد انسانی و برخورد جدی با مروجان اندیشه‌های انسانی و برخورد جدی با مروجان اندیشه‌های لیبرالیستی
- (۸) تلاش عمیق ژئوپلیتیک‌های کشورهای اسلامی در جهت انعکاس، شناساندن و معرفی ژئوپلیتیک فرهنگی جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران در سطح مجامع علمی با هدف اقتدار فرهنگی اسلام

کتابنامه

- ۱- کاویانی، محمد، (۱۳۸۹)، «تقابل جغرافیایی فرهنگی انقلاب اسلامی با جغرافیایی سیاسی غرب»، مقاله ژئو کالچر
- ۲- پرانکائیس آنتونی و آرنستون الیوت؛ (۱۳۷۹)، «عصر تبلیغات» ترجمه سید امامی و عباسی تهران، انتشارات سروش
- ۳- مولانا، حمید، (۱۳۸۴)؛ «اطلاعات و ارتباطات جهانی»، ترجمه اسدالله آزاد و همکاران، تهران، نشر کتابدار
- ۴- شیرازی، محمد، (۱۳۷۶)؛ عملیات روانی و تبلیغات [مفاهیم و کاربردها]؛ تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۵- عزتی، عزت الله (۱۳۸۸)؛ ژئوپلیتیک شیعه و امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران، تهران، البرز، نشر فرانش
- ۶- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۰)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی
- ۷- اخباری محمد و مؤذن جامی محمدهادی (۱۳۸۹)؛ الگوی شبکه‌ای ترسیم نقشه فرهنگی مبتنی بر ارتقاء موقعیت ژئوکالچر، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران، سال ششم، صص ۳۱-۵۶
- ۸- نصر، صلاح، (۱۳۸۰)؛ عملیات روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۰، ص ۹۰
- ۹- زمانی، سید یدالله، (۱۳۸۸)؛ مجموعه مقالات جنگ نرم و گونه‌شناسی عملیات روانی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح (دبیرخانه همایش عملیات روانی)
- ۱۰- عابدینی، فرامرز، (۱۳۸۵)؛ پروژه جنگ روانی آمریکا علیه ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، تهران، سال چهارم، شماره بیستم ص ۴۳
- ۱۱- محلاتی، مهدی، (۱۳۸۶)؛ «کاربرد روان‌شناسی در عملیات روانی» فصلنامه ایده، تهران، شماره ۱

- ۱۲- جنیدی، رضا، (۱۳۸۸)؛ ژئوپلتیک بر بال رسانه، نقش عملیات روانی در بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی، مجموعه مقالات جنگ نرم، مهندسی و آینده‌پژوهی در عملیات روانی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد کل نیروهای مسلح
- ۱۲- صدوقی، مراعلی، (۱۳۸۰)؛ فناوری اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ص ۵۴ - ۵۵
- ۱۳- حمدی الحجار، محمد (۱۳۸۲)؛ «عملیات روانی آمریکا علیه کشورهای اسلامی»، ترجمه قربانی حسین، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول شماره سوم
- ۱۴- سوری، جواد، (۱۳۸۵)؛ «نقش فناوری‌های ارتباطی در عملیات روانی»، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۴
- ۱۵- رضایی خاچکی، فاطمه، (زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳)، «عملیات روانی آمریکا در جنگ افغانستان»، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره ۴
- ۱۶- فرشچی، علیرضا، (۱۳۸۳)؛ «جنگ اطلاعات و عملیات روانی»، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره ۴
- ۱۷- برادن، کتلن وшли، (۱۳۸۳)؛ «ژئوپلیتیک فراگیر»، ترجمه علیرضا فرشچی و رهنما، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳
- ۱۸- خرازی، رها، (۱۳۸۲)؛ جنگ دیجیتالی، زاویه دید: قلم نوین و تجدید ساختار سیاسی در عصر اطلاعات، فصلنامه پژوهش و سنجش، ص ۲۶۴
- ۱۹- سوری، جواد، (۱۳۸۵)؛ «نقش فناوری‌های ارتباطی در عملیات روانی»، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۴
- ۲۰- کافمن، ادوارد، (۱۳۸۳)؛ «استراتژی آمریکا در جنگ‌های رسانه‌ای»، ترجمه بای نادعلی و رضایی خاچکی فاطمه، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره ۴
- ۲۱- جمعه‌ای، روح‌الله، داوری عبدالرضا، تقی بیگی یاسمن، (۱۳۸۸)؛ کالبدشکافی شبهه‌افکنی‌های رسانه‌های استکباری علیه جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات جنگ نرم و گونه‌شناسی عملیات روانی، تهران انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات نیروهای مسلح

- ۲۲- تافلر الوین، تافلرهایدی، (۱۳۷۷)؛ جنگ و ضد جنگ در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه خوارزمی شیندخت، تهران، انتشارات سیمرغ
- ۲۳- اس.هرمن. اوارد، چامسکی نوام، فیلترهای خبری، ترجمه میرفخرایی تژا، تهران، انتشارات موسسه ایران
- ۲۴- تولک، آرتور (۱۳۸۵)؛ پخش تصویری عملیات روانی تاکتیکی در محیط‌های کم رسانه، ترجمه عبدالمجید حیدری، فصلنامه عملیات روانی شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۵، تهران، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲۵- امینی، آرمین (۱۳۸۲)، «مطبوعات به مثابه ابزار عملیات روانی صهیونیسم»، تهران، فصلنامه عملیات روانی ش ۲، ص ۸۷-۹۱
- ۲۶- امینی، آرمین (۱۳۸۲)؛ «مطبوعات به مثابه ابزار عملیات روانی صهیونیسم»، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره ۲
- ۲۷- لویمی، خالد (۱۳۸۶)؛ مقایسه کاربرد فنون جنگ رسانه‌ای در دو شبکه ماهواره‌ای خبری العالم و الحره، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷
- ۲۸- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)؛ رسانه‌ها و بازنمایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- ۲۹- لاکست، ایووژیبلن (۱۳۷۸)؛ «عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک»، ترجمه دکتر فراستی علی، نشر آمن
- ۳۰- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت
- ۳۱- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی
- ۳۲- عزتی، عزت الله (۱۳۸۰)؛ ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران، انتشارات سمت
- ۳۳- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۳۴- شکویی، حسین (۱۳۸۴)؛ فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران، انتشارات گیتاشناسی

- ۳۵- ایزدی، سجاد (۱۳۸۶)؛ دولت و مشروعیت تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان
- ۳۶- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)؛ قدرت نرم در استراتژی آمریکا، تهران انتشارات مطالعات استراتژیک
- ۳۷- والرشتاین، امانوئل (۱۳۷۶)؛ سیاست و فرهنگ در جهان گذرا ترجمه ایزدی پیروز، تهران، انتشارات نی
- ۳۸- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)؛ تئوری برخورد تمدن‌ها، ترجمه امیری، مجتبی، تهران، انتشارات اداره سیاسی و مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه
- ۳۹- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳)؛ جهانی شدن فرهنگ هویت، تهران، نشر نی
- ۴۰- احمدی پور، زهرا (۱۳۸۹)؛ چالش‌های جهان اسلام در عرصه جهانی شدن، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان، ۲۵-۲۷ فروردین
- ۴۱- وثوق، محمود و احمدی، سیدعباس (۱۳۹۱)؛ مقاله نگرشی اسلامی به نقش فرهنگ در توسعه قلمرو نفوذ کشورها، مجموعه مقالات فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱
- ۴۲- توتایل، ژناروید و دیگران (۱۳۸۰)؛ اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه حافظ‌نیا محمد رضا و نصیری‌هاشم، مجموعه مقالات اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۴۳- بیابان نورد، علیرضا (۱۳۸۳)؛ بررسی تطبیقی عملیات روانی ایالات متحده در کشور افغانستان و عراق، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۱
- ۴۴- بهرامی، قدرت الله و خدادادی، محمد اسماعیل (۱۳۸۹)؛ جغرافیای سیاسی اقتصادی ایران، قم، انتشارات زمزم هدایت
- ۴۵- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۵)؛ فصلنامه رسالت، سال هفتم، شماره ۲
- ۴۶- جانستون، آرچی و دیگران (۱۳۸۳)؛ جغرافیای تحول جهانی ترجمه ن.نوریان، تهران دانشکده فرماندهی و ستاد

۴۷- جنیدی، رضا (۱۳۸۸)؛ مهندسی عملیات روانی و شناخت کارکرد نظام رسانه‌ای غرب، مجموعه مقالات مهندسی و آینده‌پژوهی در عملیات روانی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد کل نیروهای مسلح

۴۸- غضنفری، کامران (۱۳۸۰)؛ آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران (توهم یا واقعیت)، تهران، انتشارات کیا

۴۹- اخباری، محمد، (۱۳۹۰)؛ فایل پرده‌نگار (پاورپوینت) ژئوپلیتیک و مرز، سال ۸۹

۵۰- اخباری، محمد (۱۳۹۲)؛ جزوه درسی جغرافیا و راهبرد ملی بخش مربوط به فرصت‌ها و قوت‌های جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۹

۵۱- وثوق محمود و احمدی سید عباس، (۱۳۹۱)، نگرش اسلامی به نقش فرهنگ در توسعه قلمرو نفوذ کشوها، مجموعه مقالات فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱

۵۲- اتو تایل، وئاروید و دیگران، (۱۳۸۰) اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه حافظ‌نیا محمدرضا و نصیری‌هاشم، مجموعه مقالات اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

کتاب‌های لاتین

- ۱- Mamdani, ahmood (2001), Good muslim, An Africa Pers Pective, SSRCP,1
- ۲- Allison, Rpbert (1995) the crescent obscured the united states and the muslim world 1776 – 1815 new yourk: Oxford university Press
- ۳- Kassin, D (204) muslim Societies and Psychological war fare, Journal Of Socilogy, No18